

مطالعه و مقایسه پاسخگویی مالی دولت در چهار دوره ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی

محمد مرادی^۱، عباس نرگسیان^۲، هانیه اخوان^۳

چکیده: تحقق پاسخگویی، ضامن سلامت عملکرد دولت حاکم بر کشورهاست. این مقاله در رابطه با بررسی ماهیت پاسخگویی مالی دولت پس از انقلاب اسلامی، به تحلیل نظرهای چند رئیس جمهور با محوریت مسائل اقتصادی از بعد کیفی می‌پردازد. روش تحقیق، استفاده از مدل تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بوده و با لحاظ کردن فضای سیاسی، وضعیت اقتصادی روز و نیروهای ایدئولوژیک حاکم بر جامعه، مواضع و چگونگی واکنش هر دولت در برابر عملکرد اقتصادی خویش را مشخص می‌کند. جامعه اطلاعاتی، گزیده سخنان چاپ شده در روزنامه اطلاعات از رؤسای جمهور در چهار دوره مختلف است که دوازده متن طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۲ برای نمونه و بر مبنای روش نمونه‌گیری اشباع تئوریک انتخاب شده است. نتایج نشان می‌دهد با توجه به نوع‌شناسی انواع گفتمان‌های مطالعه‌شده، رویکرد هر دولت برای پاسخگویی در قبال عملکرد اقتصادی خود با توجه به وضعیت سیاسی و بافت اجتماعی حاکم در آن دوره، از لحاظ ماهیت متفاوت است، ولی در مجموع روند به نسبت یکنواختی را در حمایت از نتایج اقدامات خود داشته و با نگاهی منتقدانه نسبت به عملکرد دولت‌های پیشین به مقایسه عملکرد خود با آنها پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، پاسخگویی مالی، تحلیل گفتمان انتقادی، دوره ریاست جمهوری، دولت.

۱. استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۰۲

نویسنده مسئول مقاله: محمد مرادی

E-mail: moradimt@ut.ac.ir

مقدمه

مسئولیت پاسخگویی مستلزم آن است که دولت در مقابل مردم و نمایندگان قانونی آنها برای اعمالی که انجام می‌دهد و تصمیم‌هایی که اتخاذ می‌کند، پاسخگو باشد و به آنها توضیح دهد (باباجانی، ۱۳۹۱: ۲۱۴). به روش‌های مختلفی می‌توان مسئولیت پاسخگویی دولت‌ها در قبال مردم و گروه‌های مختلف جامعه را بررسی کرد که از جمله آنها مطالعه و بررسی مواردی نظیر بودجه‌بندی، حسابداری و گزارشگری مالی، حسابرسی، گزارشگری عملکرد، دسترسی آزاد به اطلاعات، قضاوت، اقدام و برنامه‌ریزی راهبردی در راستای ارزیابی عملکرد دولت‌ها در نیل به اهداف کلی نظام پاسخگویی از بعد کمی است (باباجانی، ۱۳۹۲: ۳). این تحقیق از بعد جدیدی به سیستم پاسخگویی در بخش عمومی نگرینسته و از جنبه کیفی و با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی به نحوه پاسخگویی دولت در قبال اعمال خود در تأمین و مصرف منابع مالی و رعایت قوانین و مقررات پرداخته است. با تحلیلی بر سخنان ریاست جمهوری در قالب پاسخگو درباره مسائل مهم اقتصادی کشور در چهار دوره مختلف ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نحوه و میزان پاسخگویی مالی هر دولت با توجه به بافت اجتماعی، اقتضای شرایط سیاسی و اقتصادی ارزیابی می‌شود. با توجه به مطالعه تحقیقات انجام‌گرفته در کشور مبنی بر ارزیابی پاسخگویی دولت و برای اشاره به تحقیق پیش رو باید گفت که تنها ابزار برای ارزیابی مسئولیت پاسخگویی دولت‌ها در کشور ما، سیستم گزارشگری و استفاده از صورت حساب عملکرد سالانه بودجه کل کشور است. در رابطه با کمبودها و مشکلات این شیوه ارزیابی مسئولیت پاسخگویی می‌توان گفت که صورت حساب یاد شده فقط مجموعه جدول‌هایی است که در آن درآمدهای پیش‌بینی شده با درآمدهای واقعی و اعتبارات مصوبه با هزینه و سایر پرداخت‌های واقعی، مقایسه می‌شود. بنابراین وضعیت مالی دولت طی سال‌های برنامه در آن منعکس نشده و دارایی‌های سرمایه‌ای حاصل از اجرای برنامه و بدهی‌های بلندمدت عمومی ناشی از اجرای برنامه در آن درج نمی‌شود تا مردم از وضعیت و شرایط مالی دولت مطلع شوند. گزارش تفریق بودجه دیوان محاسبات که بر مبنای صورت حساب عملکرد سالانه بودجه کل کشور تهیه می‌شود، نیز دارای همان نارسایی‌ها است، در نتیجه فقط بخشی از مسئولیت پاسخگویی مالی دولت در مورد بودجه سالانه را پوشش می‌دهد (باباجانی، ۱۳۸۱: ۴۳). از این رو با توجه به مشکلات ذکر شده برای ارزیابی مسئولیت پاسخگویی مالی دولت به شیوه‌های کمی، ضرورت دارد که این مسئله از بعد کیفی نیز تحلیل شود.

روش تحلیل گفتمان جزء روش‌های کیفی به‌شمار می‌رود و نوعی روش تفسیری است که از مجموعه ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی پیروی می‌کند و می‌تواند برای دستیابی به سطحی از داده‌ها استفاده شود. در تحلیل گفتمان مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباط

های غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود. واژه‌ها هر یک به تنهایی مفهوم خاص خود را دارد، اما در شرایط وقوع، در اذهان گوناگون معانی متفاوتی یافته و در نتیجه انتقال، دریافت و تأثیرگذاری گوناگونی در پی دارند (صالحی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

این تحقیق با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و با بررسی سخنان چهار رئیس‌جمهور در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی درباره مسائل اقتصادی منتشرشده در روزنامه‌های کثیرالانتشار، نشان می‌دهد روابط قدرت چگونه از طریق متون اعمال سلطه می‌کنند و شناخت مخاطبان نسبت به مسائل روز اقتصاد کشور را مطابق ایدئولوژی و خواست خود شکل می‌دهند. همچنین با توجه به ایدئولوژی‌های زیرساختی گفتار این اشخاص که متأثر از واکنش نهادهای ناظر بر عملکرد مالی دولت است، به‌نحو ضمنی طریقه پاسخگویی مالی دولت را بررسی کرده و طی دوره‌های مختلف با هم مقایسه می‌کند تا مشخص شود دولت در برخورد با مسائل مهم اقتصادی جامعه از چه ایدئولوژی‌ها و روابطی تأثیر پذیرفته و بر ایجاد چه روابط و گفتمان‌هایی در سال‌های مختلف تأثیر گذاشته است. از این رو پرسش‌های اصلی تحقیق با توجه به هدف تحقیق عبارت‌اند از:

۱. ماهیت پاسخگویی مالی دولت در چهار دوره مختلف ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی چیست؟
۲. چه تفاوت‌هایی بین ماهیت پاسخگویی مالی دولت در چهار دوره مختلف ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی وجود دارد؟

پیشینه نظری پژوهش

مفهوم پاسخگویی

از گذشته، مفهوم پاسخگویی در جوامع مختلف مطرح بوده و به‌منظور کسب اطمینان از انجام وظیفه فرد یا سازمان‌ها، به‌عنوان ابزاری مؤثر شناخته شده و وظایف خاصی را بر عهده داشته است. شیوه‌های دستیابی به پاسخگویی با گذشت سال‌ها تغییر کرده است (جان گلین، ۱۹۹۳). با سپری شدن زمان و طی دوره تکامل، مفهوم پاسخگویی به‌سمت حفاظت مدیریت شرکت از دارایی‌ها و پس از آن، به پاسخگویی در برابر نتایج به‌دست‌آمده در نتیجه اقدامات انجام‌گرفته، معطوف شد. در فرهنگ لغات مفهوم مسئولیت پاسخگویی به این صورت تعریف شده است: الزام شخص به توضیح و تشریح همراه با ارائه دلایل منطقی در مورد اعمالی که انجام داده است. اما مفهوم پاسخگویی در ادبیات حسابداری دولتی به‌صورت گسترده‌ای استفاده می‌شود (مهدوی، ۱۳۷۹). به بیانی دیگر، مسئولیت پاسخگویی وظیفه‌ای است که باید در اجرای آن برای ادای

مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته شده، دلایل و توضیحات قانع‌کننده‌ای فراهم کرد و گزارش‌های لازم را ارائه داد، بنابراین مسئولیت پاسخگویی دو وظیفه زیر را دربر می‌گیرد:

- جوابگویی^۱: لزوم به انجام رساندن عمل یا وظیفه مشخص.
- پاسخگویی^۲: لزوم توضیح و تشریح چگونگی انجام وظیفه یا مسئولیت از طریق ارائه گزارش مبتنی بر دلایل منطقی و قابل اتکا.

مسئولیت پاسخگویی در بخش عمومی

در سال‌های اخیر، تغییرات بسیاری در بخش عمومی چندین کشور در قالب اصلاحاتی در زمینه نقش دولت و تأثیر آن در مدیریت بخش عمومی، روابط میان بخش عمومی و بخش خصوصی، ارتباط بین مصرف منابع و سطح کارایی عملیات و برنامه‌ریزی غیرمتمرکز امور و فعالیت‌ها رخ داده است که از جمله اهداف اصلی این اصلاحات، فرهنگ‌سازی در زمینه ارتقای سطح عملکرد و افزایش سرعت پاسخگویی بخش عمومی در واکنش به نیازهای دولت بوده است. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که کلیه تغییرها و تحولات یادشده به‌منظور واداشتن سازمان‌ها و نهادهای بخش عمومی به عملکرد مطلوب‌تر انجام شده است و این تغییرات پیش‌آمده نتیجه تبدیل معنای مسئولیت پاسخگویی از مفهوم رعایت روال‌ها، به مفهوم کارایی و اثربخشی نتایج است (فقیهی، ۱۳۸۰). عمده تحقیقات انجام شده در بخش حسابداری دولتی مربوط به دانشگاه‌های آمریکا و انگلیس است. طی تحقیقی در این زمینه، ۲۳۶ مقاله در ۸۳ مجله از روش توصیفی و تحقیق میدانی و با رویکرد ساختاری، تحلیل‌های ریاضی، نظرسنجی‌ها و داده‌های بایگانی استفاده کرده‌اند و از لحاظ موضوعی، اهمیت زیادی به مسئولیت پاسخگویی و ارزیابی عملکرد، گزارشگری و بودجه‌بندی داده‌اند که اغلب آنها درباره مفید بودن و نقش و تأثیر سیستم‌های حسابداری بحث شده است (اشمیت و گوندر، ۲۰۱۶). پژوهش دیگری در زمینه روند پاسخگویی عمومی دانشگاه‌های نیوزلند، اجرا شده و تغییر رویه‌های پاسخگویی دانشگاه‌های نیوزلند طی ۱۲ سال بررسی شده است که نتایج نشان می‌دهد علی‌رغم تغییر گزارش‌های مالی و اطلاعات منتشرشده از نظر شکل، قالب و محتوا، در نحوه ایفای مسئولیت پاسخگویی تفاوت خاصی صورت نگرفته و تغییر در رویه‌های پاسخگویی به دلیل الزامات نهادهای قانون‌گذار، تأثیری بر نحوه پاسخگویی سازمان‌ها نداشته است (احمد، گیو، کبیر و نارایان، ۲۰۱۶).

پاسخگویی دولت در بخش مشارکت دولتی و خصوصی باید در جهت افزایش اثربخشی کیفیت خدمات و کارایی استفاده از منابع و دارایی‌های عمومی پیش برود (وو، لیو، جین و سینگ، ۲۰۱۶). طرفداران جدایی حسابداری بخش خصوصی و بخش عمومی، تفاوت موجود میان

1. Responsibility
2. Accountability

هدف‌های عملکردی سازمان‌های فعال در این دو بخش را دلیل اصلی نظر خود مطرح کرده و چنین استدلال می‌کنند که سازمان‌های بازرگانی بخش خصوصی فقط برای تحصیل سود تأسیس می‌شوند، در حالی که سازمان‌های دولتی بنا به ضرورت‌های اجتماعی و قانونی تأسیس می‌شوند و سود نمی‌تواند انگیزه‌ای برای تشکیل آنها شناخته شود. به همین دلیل سیستم حسابداری استفاده شده در سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی با سیستم حسابداری سازمان‌های بازرگانی، تفاوت‌هایی دارد که باعث تفاوت در نوع مسئولیت پاسخگویی این دو بخش می‌شود (زارعی و غلامی، ۱۳۹۰). دولت‌ها موظف‌اند علاوه بر رعایت قوانین و مقررات در تحصیل و مصرف صحیح منابع مالی عمومی، این قبیل منابع را به صورت کارا، اثربخش و با صرفه اقتصادی مصرف کنند و در تحقق این موارد به صورت عملیاتی پاسخگو باشند. منظور از کارایی در این سطح از مسئولیت، ارائه خدمات بیشتر با مصرف منابع کمتر و جلوگیری از اتلاف منابع است. منظور از اثربخشی در این سطح از مسئولیت، پاسخگویی، تأثیر مصرف منابع بر بهبود زندگی شهروندان و اجرای طرح‌ها و برنامه‌هایی است که رفاه عمومی را ارتقا می‌دهد. صرفه اقتصادی نیز به تخصیص بهینه منابع و اثربخشی درازمدت تأکید دارد (باباجانی، ۱۳۹۱: ۲۲۰). تحقق مسئولیت پاسخگویی به دلیل ماهیت و تنوع فعالیت‌های دولت، ساده نیست. برخی فعالیت‌های دولت جنبه مالی دارد، از این رو فراهم آوردن اطلاعاتی برای ایفای مسئولیت پاسخگویی به این نوع فعالیت‌ها از طریق گزارشگری مالی امکان‌پذیر خواهد بود. این در حالی است که تأمین اطلاعات کافی برای ادای مسئولیت پاسخگویی برخی دیگر از فعالیت‌های دولت، از طریق گزارش‌های مالی سنتی میسر نیست. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که مسئولیت پاسخگویی عمومی شامل دو جنبه بااهمیت مسئولیت پاسخگویی مالی و مسئولیت پاسخگویی عملیاتی است (باباجانی، ۱۳۸۱: ۳). بر اساس تحقیقی در آمریکا با افزایش وابستگی مالی دولت محلی به دولت مرکزی، مسئولیت دولت محلی کاهش می‌یابد و پاسخگونی دولت محلی در نتیجه کاهش وظایف آن وضعیت را بدتر می‌کند. هر چه دولت‌ها در قبال وظایف و مسئولیت‌های خود از جمله مسئولیت اجتماعی پاسخگوتر باشند، اعتماد عمومی در سطح جامعه به دولت افزایش می‌یابد، در نتیجه پاسخگویی همانند عاملی مؤثر در کسب اعتماد عمومی به دولت عمل می‌کند (نور زینی، کاپاسامی و ظاهرآواتی، ۲۰۱۵).

انواع مسئولیت پاسخگویی

پاسخگویی مالی: مسئولیت پاسخگویی مالی، دولت را ملزم می‌کند که گزارش‌هایی برای متقاعد کردن شهروندان و نهادهای ناظر بر کار دولت ارائه دهد، مبنی بر اینکه اعمال و فعالیت‌های دولت در دوره جاری (برای مثال یک سال مالی و بودجه‌ای) در خصوص تحصیل و

مصرف منابع مالی عمومی، در چارچوب قوانین و مقررات و منطبق بر تصمیم‌هایی بوده که نمایندگان منتخب مردم اتخاذ کرده‌اند (باباجانی، ۱۳۸۰: ۲۶). معیار اندازه‌گیری جریان منابع مالی نیز که یکی از دو معیار رایج در نظام‌های حسابداری و گزارشگری مالی بخش عمومی است و برای اندازه‌گیری فعالیت‌های غیربازرگانی به کار می‌رود، صرفاً بر اندازه‌گیری و گزارش ورود (تحصیل)، خروج (خرید کالا و خدمات) و موجودی پایان دوره منابع مالی تأکید دارد و مبنای حسابداری تعهدی تعدیل‌شده را به خدمت می‌گیرد. پس برای ایفای مسئولیت پاسخگویی مالی که تأکید آن بر ارزیابی چگونگی تحصیل منابع و مصرف آنها در برنامه‌های مصوب است، می‌توان از معیار اندازه‌گیری جریان منابع مالی و مبنای حسابداری تعهدی تعدیل‌شده استفاده کرد (باباجانی، ۱۳۸۱: ۲۸).

پاسخگویی عملیاتی: مسئولیت پاسخگویی عملیاتی، دولت را به ارائه گزارش‌هایی ملزم می‌کند تا مردم را در مقام پاسخ‌خواه در مورد دستیابی به اهداف عملیاتی از قبل تعیین‌شده در زمینه کارایی مصرف منابع مالی در راستای تحقق اهداف مربوط متقاعد کند. همچنین اطلاعاتی را درباره اینکه آیا تحقق این اهداف در آینده نیز قابل پیش‌بینی است، عرضه می‌کند (استوارت، ۱۹۹۶). تأکید معیار اندازه‌گیری جریان منابع اقتصادی که معیار دوم از دو معیار رایج در نظام‌های حسابداری و گزارشگری مالی بخش عمومی است و برای اندازه‌گیری فعالیت‌های بازرگانی این بخش به کار می‌رود، مبتنی بر اندازه‌گیری و گزارش جریان‌های اقتصادی است. در این معیار از مبنای حسابداری تعهدی استفاده می‌شود. بدین ترتیب، ایفای مسئولیت پاسخگویی عملیاتی که بر ارزیابی تأثیر احتمالی فعالیت‌های دوره جاری در میزان منابع مورد تقاضا در آینده و توانایی دولت در تداوم عرضه خدمات و تأمین تعهدهای مالی یا به عبارتی بر تحقق اهداف، یکنواختی و عرضه اطلاعات قابل مقایسه از بهای تمام‌شده عملیات قرار دارد تأکید دارد، مستلزم به‌کارگیری معیار اندازه‌گیری جریان منابع اقتصادی و مبنای حسابداری تعهدی است (باباجانی، ۱۳۸۱: ۲۸).

پیشینه تجربی پژوهش

با مطالعه تحقیقات انجام‌گرفته در حوزه مسئولیت پاسخگویی مشخص شد که موضوع چگونگی مسئولیت پاسخگویی دولت‌ها از جنبه کیفی، مانند رویکرد انتقادی تحلیل‌گفتمان که موضوع و شیوه تحقیق حاضر است، کمتر بررسی شده و اغلب پژوهش‌ها برای بررسی میزان و ظرفیت پاسخگویی دولت‌ها، بر مهم‌ترین ابزار ارزیابی پاسخگویی، یعنی سیستم حسابداری و گزارشگری مالی و همچنین الزامات آن که همان تدوین استانداردهای حسابداری است (باباجانی، ۱۳۸۸: ۹)، تأکید کرده‌اند. در گروه دیگری از پژوهش‌های موجود در این زمینه، روی ارزیابی عملکرد دولت

و سازمان‌های دولتی در کشورهای مختلف مطالعاتی انجام گرفته که با پاسخگویی در بخش عمومی مرتبط است. در تحقیقات دیگر، برای دستیابی به اهداف و ایفای مسئولیت پاسخگویی عملیاتی دولت‌ها، در زمینه حرکت به سوی استفاده از مبنای تعهدی در سیستم حسابداری دولتی مطالعه شده است. بنابراین با توجه به دسته‌بندی ذکر شده، به پژوهش‌های پیشین مرتبط با موضوع تحقیق جاری به شرح زیر اشاره می‌شود.

جدول ۱. خلاصه مطالعات و تحقیقات انجام گرفته درباره موضوع تحقیق

محقق	موضوع	یافته‌های تحقیق
مهدوی (۱۳۷۹)	نظام پاسخگویی و حسابداری دولتی در ایران	ناتوانی تکنیک‌ها و رویه‌های حسابداری دولت فعلی در مدیریت مالی برای تحقق اهداف برنامه مالی
صفار و رحیمیان (۱۳۷۹)	اهداف گزارشگری مالی دولت مرکزی	ناتوانی گزارش‌های مالی و حسابداری در برطرف کردن همه نیازهای استفاده‌کنندگان برای ارزیابی عملکرد دولت
باباجانی و دهقان (۱۳۸۴)	نقش حسابداری و گزارشگری مالی دولتی در ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی از منظر پاسخگویان و پاسخ‌خواهان	تدوین نشدن چارچوب نظری و اصول و استانداردهای لازم و نبود نظام حسابداری و گزارشگری مالی برای ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی مالی و عملیاتی
باباجانی (۱۳۸۸)	ارزیابی مسئولیت پاسخگویی نظام حسابداری و گزارشگری دولت جمهوری اسلامی ایران	برخوردار نبودن نظام حسابداری اعمال شده دولت از ظرفیت و قابلیت‌های لازم برای کنترل برنامه‌های مصوب، شناسایی و ثبت درآمدها و هزینه‌های واقعی سال مالی، انعکاس وضعیت و نتایج عملیات مالی هر یک از منابع مالی مستقل
نرگسیان (۱۳۹۰)	بررسی ماهیت زبان دولت در سه دهه انقلاب اسلامی ایران و ارائه الگوی کارآمد آن	نزدیک بودن زبان دولت به زبان بوروکراتیک
یوچی ایجیری (۱۹۸۲)	چارچوب مفهومی حسابداری مبتنی بر مسئولیت پاسخگویی	برتری استفاده از چارچوب مفهومی مبتنی بر پاسخگویی بر چارچوب مفهومی مبتنی بر تصمیم‌گیری در حسابداری بخش عمومی
بورگونوی و آنسی‌پسینا (۱۹۹۹)	مطالعه تأثیر تغییرات در نقش و ساختار دولت‌های محلی بر حسابداری این دولت‌ها	پاسخگویی به شمار زیادی از ذی‌نفعان و ارائه تصویر مطلوب و واقعی از عملکرد و ابزار مفید برای تصمیم‌گیری و ارزیابی پاسخگویی به استفاده‌کنندگان

ادامه جدول ۱

محقق	موضوع	یافته‌های تحقیق
هولتاسن (۲۰۰۳)	بررسی کیفیت گزارش‌های مالی و استانداردهای حسابداری	تأثیرگذاری و نفوذ سایر عوامل سازمان‌یافته در خروجی‌های هر نظام حسابداری و گزارشگری مالی علاوه بر استانداردهای حسابداری
جورج (۲۰۰۳)	ارزیابی عملکرد در بخش دولتی	اندازه‌گیری میزان خدمات دولت به‌جای اندازه‌گیری سود در ارزیابی عملکرد دولت‌ها
کرکلو (۲۰۰۶)	بهبود فرایند پاسخگویی و ارزیابی عملکرد سازمان‌های دولتی محلی	توجه به نظام بودجه‌بندی و کنترل بودجه برای بهبود فرایند پاسخگویی و ارزیابی عملکرد
نور زینی، کاپاسامی و ظاهرآواتی (۲۰۱۵)	کاهش تعهدهای دولت محلی: تأثیر بر پاسخگویی و اعتماد عمومی	افزایش پاسخگویی باعث افزایش اعتماد عمومی به دولت
اشمیت و گوندر (۲۰۱۶)	بررسی حسابداری بخش عمومی در دانشگاه‌ها: مرور ادبیات نظام‌مند	نقش و سودمندی سیستم‌های حسابداری در بودجه‌بندی و گزارشگری بر مسئولیت پاسخگویی و ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها
احمد، گیو، کبیر و نارایان (۲۰۱۶)	استفاده از شاخص پاسخگویی عمومی در ارزیابی رویه‌های پاسخگویی دانشگاه‌های نیوزلند	تغییر در رویه‌های پاسخگویی به‌دلیل الزامات نهادهای قانون‌گذار، تأثیری بر نحوه پاسخگویی سازمان‌ها نداشته است.
وو، لیو، جین و سینگ (۲۰۱۶)	بررسی پاسخگویی دولت در زیرساخت‌های مشارکت دولتی - خصوصی	پاسخگویی دولت در بخش مشارکت دولتی و خصوصی باید به‌سمت افزایش اثربخشی کیفیت خدمات و افزایش کارایی استفاده از منابع و دارایی‌های عمومی برود.

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد استفاده شده در تحلیل داده‌های این تحقیق، تحلیل گفتمان انتقادی است که با روش تحلیلی - توصیفی، مسئله پاسخگویی مالی دولت‌های حاکم بر نظام جمهوری اسلامی پس از انقلاب را بررسی می‌کند. در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی، از میان رویکردهای موجود، رویکرد نورمن فرکلاف به‌عنوان جامع‌ترین چارچوب این تحلیل، برای مدل تحلیلی پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است. الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف، نشئت گرفته از تعامل میان قدرت و زبان است که گفتمان را در سه سطح بررسی می‌کند: گفتمان به‌مثابه متن، گفتمان به‌مثابه اعمال گفتمانی و کنش متقابل میان تولید و تفسیر متن و در نهایت گفتمان به‌مثابه زمینه متن به‌معنای روابط کنش‌های گفتمانی و بسترهای اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۳۴). تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف از سه سطح توصیف (شامل قطعات معنایی، واژگان کانونی،

عبارت‌بندی‌های افراطی، هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی، اسم‌سازی، رتوریک (صنایع بیانی)، مجهول‌سازی، وجوه رابطه‌ای، وجهیت بیانی، کاربرد ضمائر ما، شما، آنها، ارزش‌های پیوندی، ساخت متن و کنترل‌های تعاملی)، تفسیر و تبیین برخوردار است.

اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و اطلاعات لازم برای یافتن پاسخ پرسش‌های پژوهش، به‌کمک روش میدانی به‌شیوه استفاده از اطلاعات و مدارک گردآوری شدند؛ زیرا به‌واسطه دسترسی کم‌هزینه به اطلاعات و از آن مهم‌تر امکان ارزیابی روند موضوع مورد بررسی طی دوره مد نظر که در مطالعات گذشته‌نگر بسیار حائز اهمیت است، این شیوه انتخاب شده است. شایان ذکر است که عدم دسترسی به کلیه اطلاعات مورد نیاز تحقیق برای بازه ۳۲ ساله با توجه به محدودیت زمان، فرایند جمع‌آوری داده زمان‌بر بود. بنابراین ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، استخراج سخنان و اظهارنظرهای رؤسای جمهور در رابطه با مسائل کلان اقتصادی کشور از متون روزنامه است.

یکی از مؤلفه‌های اصلی روش‌های تحقیق، بررسی روایی و پایایی آن روش و تحلیل است که روش تحلیل گفتمان نیز از این قاعده مستثنا نیست، از این رو لازم است در این خصوص نکاتی بیان شود، هرچند که به‌لحاظ تفسیری و کیفی بودن، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد (صالحی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۴). در خصوص روایی و پایایی پژوهش باید گفت تحلیل گفتمان انتقادی همواره یک مسئله تفسیری بوده و با داده‌هایی که در طول این تحلیل جمع‌آوری شده، مشکلی نداریم. مهم این است که در تحقیق مبتنی بر این روش، روایی و پایایی و یافته‌های آن، وابسته به بحث‌های منطقی‌ای است که در تحلیل وجود دارد. اعتبار تحلیل گفتمان به کیفیت قدرت نطق و بیان وابسته است. البته این روش به تناسب روش‌های گفتمانی و گستردگی از جزء به کل در مباحث متنی و ساختاری و اجتماعی متفاوت است، اما همگی در کل از یک سبک که همان تحلیل گفتمان است، بهره می‌برند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۹). ضمن اینکه برای تعیین ارزیابی کیفیت داده‌ها، سعی شد در تحلیل داده‌ها، به‌بستر موضوع توجه شود و از نظرهای یک پژوهشگر بیرونی برای تحلیل داده‌ها و ارائه نتایج به وی نیز استفاده شد.

جامعه اطلاعات مدنظر این تحقیق شامل سخنان رؤسای جمهور درباره مسائل مهم اقتصادی و معیشتی مردم مانند مسئله بودجه و واکنش به گزارش تفریح مجلس شورای اسلامی منتشرشده در مطبوعات طی چهار دوره هشت‌ساله ریاست جمهوری است. انتخاب این سخنان فقط به‌دلیل شناسایی واکنش و رویکردهای دولت در بررسی پاسخگویی مالی آنها از لحاظ کیفی و مقایسه آن با یکدیگر است.

در این تحقیق مطالب منتشرشده در مطبوعات برای ترسیم فضای کلی گفتمان بررسی می‌شود و انتخاب متون تحقیق نیز بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند انجام می‌پذیرد. با توجه به اینکه نمونه تحقیق مبتنی بر اسناد و مدارک و سخنرانی‌ها مربوط به هر دوره هشت‌ساله است، محور پژوهش بر مستندها و آرشیو روزنامه‌های هر دوره مربوط به گفتمان رؤسای جمهور است. به این دلیل مقطع زمانی تحقیق، چهار دوره هشت‌ساله ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی است.

در روش‌های مبتنی بر اسناد، نمی‌توان از قبل مشخص کرد که چه تعداد متن انتخاب و مطالعه می‌شود تا پدیده مدنظر در تحقیق کیفی به‌طور کامل شناسایی شود (فقیهی، ۱۳۸۰). از این رو تا رسیدن به نقطه اشباع، به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته می‌شود. اشباع تئوریک زمانی رخ می‌دهد که داده دیگری که به تعریف خصوصیات یک طبقه کمک کند، به پژوهش وارد نشود و تمام مقایسه‌های مدنظر اتفاق افتاده باشد. البته باید این مسئله را در نظر گرفت که اشباع بیش از آن که حقیقت باشد، هدف است؛ زیرا ممکن است ابتدا معتقد باشیم که به اشباع رسیده‌ایم، اما این احتمال را هم باید در نظر گرفت که با تغییر نگرش افراد، طبقات و خصوصیات آنها نیز تغییر می‌کند. این، فرایند بی‌پایان است و تغییر نگرش افراد ممکن است در هر مرحله‌ای، حتی هنگام مرور مقاله برای چاپ، رخ دهد و رسیدن به اشباع تنها یک وقفه موقت در کار است (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۳).

در تحقیق حاضر تعداد گفتمان‌های انتخاب‌شده ۱۲ متن روزنامه است، یعنی برای هر دوره ریاست جمهوری سه متن در نظر گرفته شده که این داده‌ها از روزنامه اطلاعات انتخاب شده‌اند؛ زیرا تقریباً در پوشش مسائل و اخبار مربوط به عملکرد دولت جامعیت داشته و همچنین روزنامه کمابیش بی‌طرفی است و از هیچ جناح سیاسی طرفداری نمی‌کند. با این تعداد نمونه، محقق تشخیص داد که اطلاعات گردآوری‌شده به نقطه اشباع رسیده و به تحلیل متون بیشتر نیاز نیست.

یافته‌های پژوهش

با توجه به رویکرد مطالعه حاضر مبنی بر بررسی پاسخگویی مالی دولت از جنبه کیفی برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق در زمینه ماهیت و نوع به انجام رساندن پاسخگویی دولت‌ها در سطح گفتمان رؤسای جمهور در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری و تفاوت بین آنها، بهتر است این موضوع با دسته‌بندی گفتمان‌های غالب و مسلط در دوره‌های مختلف بررسی و مقایسه شده و سپس به این پرسش‌ها پاسخ داده شود.

جدول ۲. گفتمان‌های دوره نخست (۱۳۶۷-۱۳۶۰)

ردیف	نوع گفتمان	توضیح
۱	اطلاع‌رسانی	تأکید زیاد بر اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به افکار عمومی از اقدامات انجام‌گرفته و نتایج به‌دست‌آمده به‌دنبال اعلام مسئولیت در قبال مردم و احترام به آنها
۲	محوریت مشکلات	توجه به مشکلات اقتصادی موجود و اهتمام به حل آنها و بهبود وضعیت معیشتی مردم و در اولویت قرار دادن رفاه عموم مردم و توجه به منافع عمومی
۳	شفافیت	لزوم وجود شفافیت سیاست‌ها و اقدامات دولت در زمینه‌های مختلف اقتصادی و همچنین پذیرش ضعف‌های موجود در سیستم اداره کشور در راستای مشروعیت و تعامل سازنده خود با مردم و سایر نهادهای ذی‌ربط
۴	مسئولیت‌پذیری	پذیرش مسئولیت دولت در وجود مشکلات از طریق استفاده از مبانی مسئولیت‌پذیری و تلاش دولت در حل دغدغه‌های عموم مردم در سطح جامعه

جدول ۳. گفتمان‌های دوره دوم (۱۳۷۵-۱۳۶۸)

ردیف	نوع گفتمان	توضیح
۱	حمایت از سیاست‌های دولت	برخورداری از رویکرد حمایت از سیاست‌ها و تصمیم‌های اتخاذشده توسط دولت و اقدامات انجام‌گرفته به‌صورت آشکار و ضمنی در حل مشکلات در زمینه‌های مختلف اقتصادی و القای مشروعیت اقدامات و مفید و مؤثر بودن سیستم فعلی اداره کشور در راستای کاهش نگرانی‌های مردم و همچنین افزایش اعتماد عامه مردم
۲	مشارکت عمومی	توجه و تأکید بر نقش مردم در حل مسائل و مشکلات اقتصادی کشور از طریق کمک ایشان به دولت در اجرایی شدن سیاست‌های در پیش گرفته‌شده
۳	مقایسه عملکرد	بیان مکرر مطالبی در راستای ایجاد مبنایی برای مقایسه عملکرد دولت با دولت گذشته از طریق بیان دستاوردها و نتایج به‌دست‌آمده حاصل از سیاست‌ها و خطمشی دولت و همچنین ایجاد بستری برای ارائه بیشتر حصول کار و اقدامات دولت و دعوت مردم به انجام قضاوت منصفانه در این زمینه

جدول ۴. گفتمان‌های دوره سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۶)

ردیف	نوع گفتمان	توضیح
۱	حاکمیت مردم	توجه و تمرکز دولت بر محوریت نقش مردم و اهمیت آن در پیشبرد اهداف دولت و رسیدن به شکوفایی اقتصادی به دنبال ارتقای اعتماد عمومی و آرمان خود دانستن تأمین منافع عمومی
۲	اطلاع‌رسانی	تأکید زیاد بر اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به افکار عمومی از اقدامات انجام‌گرفته و نتایج به‌دست‌آمده به دنبال اعلام مسئولیت در قبال مردم و احترام به آنها
۳	امیدواری به بهبود شرایط	بیان مطالبی برای ایجاد امیدواری به افکار عمومی در راستای بهبود و رسیدن به شرایط مطلوب اقتصادی در سایه اجرای موفق سیاست‌های دولت و دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده در راستای ایجاد افق روشن از وضعیت آتی شرایط اقتصادی کشور و تزریق روحیه مبارزه با سختی‌ها و مشکلات بین تمام اقشار جامعه

جدول ۵. گفتمان‌های دوره چهارم (۱۳۹۱-۱۳۸۴)

ردیف	نوع گفتمان	توضیح
۱	اقتدارگرا	بیان صریح مواضع دولت در برخی زمینه‌های اقتصادی و ابراز رضایت از نتایج حاصل از اقدام‌ها و فعالی‌های دولت و مفید ارزیابی کردن آنها به دنبال تثبیت جایگاه دولت و تأکید بر اهمیت نقش دولت در زمینه حل مسائل و مشکلات اقتصادی
۲	توجیه مشکلات	بیان مکرر مطالبی در راستای توجیه‌پذیر بودن مشکلات اقتصادی موجود و ضعف‌های سیستم مدیریت کشور از طریق معطوف کردن افکار عمومی به سمت عوامل و گروه‌های سیاسی مخالف دولت و ایجاد بستری برای متقاعد کردن سایر نهادها و افکار عمومی در پذیرش مشکلات اقتصادی موجود در جامعه با درشت کردن نقش مخالفان و منتقدان دولت در سایر احزاب و گروه‌های سیاسی
۳	مقایسه عملکرد	بیان مکرر مطالبی در راستای ایجاد مبنایی برای مقایسه عملکرد دولت با دولت‌های گذشته با ارائه آمار و ارقامی مبنی بر نتایج حاصل از اقدامات دولت و فراهم آوردن بستری برای تأکید بر وجه تمایز دولت فعلی نسبت به سایر دولت‌های گذشته نمود هر چه بیشتری برای سیاست‌ها و عملکرد دولت از طریق بیان دستاوردهای به‌دست آمده از کار دولت

حال با توجه به توضیحات بالا، پاسخ به پرسش‌های اول و دوم پژوهش مبنی بر ماهیت و تفاوت‌های موجود در رویکرد پاسخگویی مالی دولت در چهار دوره مختلف ۸ ساله ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی، در قالب جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. خلاصه پاسخ به پرسش‌های تحقیق

دوره ریاست جمهوری	رویکرد پاسخگویی
دوره نخست (۱۳۶۷-۱۳۶۰) دولت میرحسین موسوی	رویکرد پاسخگویی مبتنی بر ابعاد اطلاع‌رسانی، سخنگویی در برابر اقدامات انجام گرفته دولت با هدف آگاهی مردم به‌عنوان صاحبان اصلی حق در مقام پاسخ‌خواه و سایر نهادهای نظارتی، مسئولیت‌پذیری در رابطه با پذیرش مشکلات موجود در جامعه، قرار دادن اولویت‌های بودجه و اجرایی کشور در راستای مرتفع کردن این مشکلات و همچنین حساسیت دولت در خصوص وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم، الزام دستگاه‌های اجرایی برای هدف قرار دادن دستیابی و ایجاد رفاه نسبی با توجه به شرایط و محدودیت‌های روز کشور از جمله مسئله جنگ و در نهایت تمرکز بر وجود شفافیت از سوی دولت در مشخص کردن خط‌مشی و سیاست‌های مهم اقتصادی برای نیل به مشروعیت و تعامل سازنده با مردم و سایر نهادها
دوره دوم (۱۳۷۵-۱۳۶۸) دولت هاشمی رفسنجانی	رویکرد پاسخگویی مبتنی بر ابعاد حمایت از سیاست‌های به‌کارگرفته‌شده توسط دولت، ابراز رضایت از نتایج به‌دست‌آمده با هدف جلوگیری از توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمنان انقلاب و نظام در سایه بالا بردن روحیه و توان مردم، فراهم آوردن بستری برای مقایسه دستاوردهای دولت وقت با دولت گذشته و دعوت مردم به انجام قضاوتی منصفانه در این رابطه برای اثبات و همگام کردن نظر سایر مخاطبان در رابطه با بهبود شرایط اقتصادی کشور و نیز توجه و تمرکز به نقش مردم و مشارکت آنها در کمک به دولت از طریق صبر و تحمل در برابر مشکلات اقتصادی موجود به‌منظور فائق آمدن بر مشکلات
دوره سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۶) دولت خاتمی	رویکرد پاسخگویی مبتنی بر ابعاد حاکمیت و نقش محوری مردم در خط‌مشی و سیاست‌های اتخاذشده دولت و اهمیت آن در پیشبرد اهداف از پیش تعیین‌شده و رسیدن به شکوفایی اقتصادی به‌منظور رسیدن به تأمین منافع عمومی در حد مقتضیات و امکانات موجود و کسب اعتماد عمومی و نیز اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی به سایر نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط و مردم از طریق سخنگویی در خصوص اقدامات انجام‌شده در راستای تکریم و احترام به جایگاه مردم به‌عنوان صاحبان اصلی قدرت و مسئول دانستن دولت در قبال آنها و همچنین ایجاد امیدواری در بهبود شرایط اقتصادی و رسیدن به شرایط مطلوب در سایه اجرای موفق سیاست‌های دولت و دستیابی به اهداف تعریف‌شده از طریق ایجاد افق روشن از وضعیت آتی شرایط اقتصادی کشور برای افزایش روحیه و توان مردم در مبارزه با سختی‌ها و مشکلات اقتصادی موجود در جامعه و قدردانی دولت از همراهی و همیاری ملت
دوره چهارم (۱۳۹۱-۱۳۸۴) دولت احمدی نژاد	رویکرد پاسخگویی مبتنی بر ابعاد اقتدارگرایی در راستای بیان موضع دولت در برخی زمینه‌های اقتصادی مانند بحث تورم و صادرات و واردات کالا همراه با ابراز رضایت از نتایج حاصل از اقدامات و فعالیت‌های دولت و مفید ارزیابی کردن آنها به‌منظور تثبیت جایگاه دولت فعلی و تأکید بر اهمیت نقش دولت در زمینه حل مسائل و مشکلات اقتصادی و همچنین توجیه ناکارآمدی و عدم پذیرش مشکلات و ضعف‌های موجود در سیاست‌های اتخاذشده و سیستم مدیریت کشور و ارائه شمایی از توجیه‌پذیر بودن مسائل و مشکلات اقتصادی از طریق جلب توجه افکار عمومی به سمت عوامل و گروه‌های سیاسی مخالف دولت و جلوه دادن نقش مخالفان و منتقدان سیاسی دولت برای ایجاد بستری برای متقاعد ساختن سایر نهادها و افکار عمومی در پذیرش مشکلات اقتصادی موجود در جامعه و نیز مقایسه عملکرد دولت با دولت‌های گذشته با ارائه آمار و ارقامی مبنی بر نتایج حاصل از اقدامات دولت از طریق بیان دستاوردهای به‌دست‌آمده و ایجاد جریانی فکری برای تأکید بر وجه تمایز دولت فعلی نسبت به سایر دولت‌های گذشته برای نمود بیشتر عملکرد دولت

نتیجه گیری

این تحقیق به مطالعه ساختار و روند پاسخگویی مالی دولت‌های مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی و چگونگی پاسخگویی آنها از جنبه کیفی پرداخته و در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی بیانات و اظهارنظرهای چهار رئیس جمهور در چهار دوره هشت‌ساله ریاست جمهوری، با محوریت مسائل مهم اقتصادی، به دلیل بررسی و مقایسه نحوه پاسخگویی مالی دولت تمرکز کرده است؛ زیرا به دنبال پاسخی برای نحوه پاسخگویی مالی دولت‌ها از نگاه غیرکمی و متفاوت بوده تا به این نتیجه برسد که پاسخگویی مالی هر دولت با توجه به فضای سیاسی و شرایط روز اجتماعی و اقتصادی کشور چه روندی را طی کرده و هر دولت با چه رویکردی در برابر اعمال و اقدامات اقتصادی خود در قبال مردم پاسخگو بوده است.

پس از تحلیل داده‌ها بر اساس مدل فرکلاف (۲۰۰۰) در سه سطح «توصیف متن»، «تحلیل روندهای تولید و تفسیر» و «تبیین بافت اجتماعی»، نتایج تحقیق نشان داد با توجه به نوع‌شناسی انواع گفتمان‌های مطالعه‌شده، رویکرد هر دولت برای پاسخگویی در قبال اقدامات و سیاست‌های اقتصادی استفاده شده، از لحاظ ماهیت و نحوه ارائه دستاوردها و نتایج کار حاصل از فعالیت‌های انجام‌گرفته دولت به اقتضای شرایط سیاسی و بافت اجتماعی زمان خود، متفاوت است؛ به طوری که می‌توان گفت با توجه به داده‌های پژوهش و تحلیل آنها با استفاده از مدل تحقیق در سطوح مختلف توصیف، تفسیر، تبیین و بررسی نتایج به دست آمده و با در نظر گرفتن بافت موقعیتی هر دوره، دولت در دوره نخست هشت‌ساله ریاست جمهوری با برخورداری از مؤلفه‌هایی نظیر اطلاع-رسانی و سخنگویی در برابر اقدامات انجام‌گرفته خود، مسئولیت‌پذیری در رابطه با پذیرش مشکلات و همچنین حساسیت دولت در خصوص وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم و الزام دستگاه‌های اجرایی برای تأمین هدف دستیابی و ایجاد رفاه نسبی با توجه به شرایط و محدودیت‌های موجود از جمله مسئله جنگ و در نهایت، شفافیت دولت در ارتباط با مردم و سایر مسئولان کشور در مشخص کردن خط‌مشی و سیاست‌های مهم اقتصادی دولت از سطح پاسخگویی مناسب‌تری برخوردار بوده است. در ادامه می‌توان گفت دولت در دوره سوم نیز با تأکید بر ابعاد حاکمیت، نقش محوری مردم در خط‌مشی، سیاست‌های اتخاذشده خود، کسب اعتماد عمومی، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به سایر نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط از طریق سخنگویی در خصوص اقدامات انجام‌شده در راستای تکریم و احترام به جایگاه مردم، تأکید بر نقش عموم ملت و قدردانی دولت از همراهی و همیاری ملت با خود، تا حدی توانسته است سطح بهتری برای پاسخگویی و مسئولیت در قبال پاسخ‌خواهان فراهم آورد.

پاسخگویی مالی دولت در دوره دوم با تمرکز بر ابعاد حمایت از سیاست‌های به‌کارگرفته‌شده توسط دولت، ابراز رضایت از نتایج به‌دست‌آمده، فراهم آوردن بستری برای مقایسه دستاوردهای دولت وقت با دولت گذشته در راستای القای بهبود شرایط اقتصادی کشور و نیز با توجه به نقش مردم و مشارکت آنها در کمک به دولت از طریق صبر و تحمل در برابر مشکلات اقتصادی، به‌منظور فائق آمدن بر مسائل موجود نقش پاسخگویی خود را ایفا کرده است. در خاتمه آنچه درباره پاسخگویی مالی دولت در دوره چهارم بیشتر به چشم می‌خورد، تأکید بیشتر دولت بر ابعاد اقتدارگرایی در راستای بیان مواضع همراه با ابراز رضایت از نتایج حاصل از اقدامات و فعالیت‌های انجام‌گرفته، مفید ارزیابی کردن آنها به‌منظور تثبیت جایگاه دولت فعلی، تأکید بر اهمیت نقش دولت در زمینه حل مسائل و مشکلات اقتصادی، عدم پذیرش مشکلات و ضعف‌های موجود در سیاست‌های اتخاذشده، جلب توجه افکار عمومی به‌سمت مخالفان سیاسی دولت و پررنگ کردن نقش آنها برای ایجاد بستری در راستای متقاعد کردن سایر نهادها و افکار عمومی در پذیرش مشکلات اقتصادی موجود در جامعه و ایجاد جریانی فکری برای تأکید بر وجه تمایز دولت فعلی نسبت به سایر دولت‌های گذشته برای نمود بیشتر عملکرد دولت متمرکز است و به این نحو پاسخگویی در این دولت انجام شده است.

نتیجه این پژوهش با گفته‌های صفار و رحیمیان (۱۳۷۹) مبنی بر ناتوانی گزارش‌های مالی و حسابداری در برطرف کردن تمام نیازهای استفاده‌کنندگان برای ارزیابی عملکرد دولت؛ باباجانی و دهقان (۱۳۸۴) مبنی بر نبود نظام حسابداری و گزارشگری مالی مناسب برای ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی مالی و عملیاتی و نیز یافته‌های باباجانی (۱۳۸۸) مبنی بر برخوردار نبودن نظام حسابداری دولت از ظرفیت و قابلیت‌های لازم برای کنترل برنامه‌های مصوب، شناسایی و ثبت درآمدها و هزینه‌های واقعی سال مالی، انعکاس وضعیت و نتایج عملیات مالی هر یک از منابع مالی مستقل همخوانی دارد.

در حال حاضر، به سازوکار و سیستم کلی برای ارزیابی ابعاد و زوایای مختلف پاسخگویی مالی دولت‌ها به‌عنوان نهاد مجری و استفاده‌کننده از منابع در راستای حفظ و ارتقای دستیابی به منافع عمومی و حل مشکلات اقتصادی جامعه در مقام پاسخگو نیاز است تا با روشن شدن ضعف‌های سیستم مدیریتی و نقص‌های موجود در امر تدوین سیاست‌های اقتصادی و مراحل اجرایی کردن آنها، به ارتقای وضعیت اقتصادی کشور کمک کند. از این رو تحقیق حاضر و سایر پژوهش‌های مشابه می‌تواند از بعد کیفی در ارزیابی نتایج به‌دست‌آمده از اقدامات انجام‌گرفته دولت و عملکرد و بازده اقتصادی آنها در ایجاد مبنای نظری و بستر مناسب برای تدوین نظام کنترلی مناسب‌تر از سود نهادهای نظارتی مانند مجلس شورای اسلامی بر عملکرد دولت مؤثر واقع شود تا بتوان جامعه را به‌سمت نیل به اهداف و رشد و شکوفایی اقتصادی سوق داد.

همچنان که تحقیقات مختلف در سایر کشورها مانند چارچوب مفهومی حسابداری مبتنی بر مسئولیت پاسخگویی یوجی ایجیری (۱۹۸۲) در برتری استفاده از چارچوب مفهومی مبتنی بر پاسخگویی در مقایسه با چارچوب مفهومی مبتنی بر تصمیم‌گیری در حسابداری بخش عمومی و همچنین تحقیق جورج (۲۰۰۳) در راستای ارزیابی عملکرد بخش دولتی از طریق اندازه‌گیری میزان خدمات ارائه‌شده دولت به جای اندازه‌گیری سود در ارزیابی عملکرد دولت‌ها، حاکی از توجه جامعه جهانی به لزوم وجود سیستم ارزیابی جامع‌تر و برخورداری از مؤلفه‌های کیفی در کنار ابزارهای کمی برای بررسی نتایج تصمیم‌های اقتصادی دولت‌ها و عملکرد آنها است. پس به‌طور مسلم کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نخواهد بود و نیاز به توجه و دقت بیشتری در نظارت بر کار دولت وجود دارد.

آنچه در سازوکار این تحقیق برای ارزیابی و تحلیل داده‌ها استفاده شده، به‌کارگیری پارامترهای کیفی از جمله شفافیت، حاکمیت مردم، مسئولیت‌پذیری، صحت اطلاع‌رسانی، قانون‌مداری و تحقق اهداف از پیش تعیین‌شده است که محقق بر اساس مطالعات و کسب دانش زمینه‌ای در مورد بافت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روز هر دوره و بررسی ایدئولوژی حاکم و تأثیرگذار بر گفتمان‌های مطرح‌شده از سوی هر رئیس‌جمهور، از آنها بهره برده است؛ زیرا در پژوهش کیفی مفاهیم مختلف در بافت طبیعی خود بررسی استقرایی می‌شود و پژوهشگر نه متغیر مشخصی در نظر دارد و نه فرضیه‌ای خاص تدوین می‌کند، بلکه پژوهش با مسئله‌ای مشخص شروع می‌شود، با پرسش یا پرسش‌های دقیق و روشنی ادامه می‌یابد و در انتها با گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها در جست‌وجوی پاسخ‌های مبتنی بر واقعیت است.

پیشنهادها

برای رفع نارسایی‌های مربوط به بررسی‌های کمی پاسخگویی مالی دولت و از طریق تحلیل نتایج صورت عملکرد سالانه بودجه و گزارش تفریح دیوان محاسبات عمومی با امکان ارزیابی مسئولیت پاسخگویی مالی دولت با نگاه متفاوت و از بعد کیفی به‌عنوان مکملی در کنار روش کمی، می‌توان موضوعات زیر را برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد داد:

- وجود توجه و تمرکز کافی بر لزوم انجام مطالعات و تحقیقاتی تطبیقی بین پژوهش‌های انجام‌گرفته در سنجش نحوه پاسخگویی عملیاتی دولت در کشورهای پیشرفته با کشور ایران از سوی بخش پژوهش نهادهای دولتی، مؤسسه‌های تحقیقاتی و جامعه دانشگاهی.
- اهمیت استفاده از انواع روش‌های تحقیق کیفی در بررسی سایر عوامل عملکرد و ارزیابی نتایج به‌دست‌آمده در بخش‌های دولتی.

- بررسی تأثیر تصویب استانداردهای حسابداری در بخش عمومی کشور همسو با استانداردهای بین‌المللی حسابداری در بخش عمومی بر بهبود نحوه پاسخگویی دولت، عملکرد سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و سایر اجزای دولت.
- مطالعه و ارائه راهکارهایی برای ارتقای پاسخگویی مالی دولت در سال‌های آینده.
- مطالعه رابطه بین میزان آگاهی عمومی مردم و توسعه مسئولیت پاسخگویی دولت.
- مطالعه تطبیقی پاسخگویی مالی دولت از جنبه کیفی در ایران با سایر کشورها.
- مطالعه و بررسی رابطه بین پاسخگویی و مشروعیت دولت‌ها.

فهرست منابع

- آقاگل‌زاده، ف. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی: توسعه تحلیل گفتمان در زبان شناسی*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- باباجانی، ج. (۱۳۸۰). *مسئولیت پاسخگویی و کنترل‌های داخلی در بخش عمومی (قسمت اول)*. ماهنامه *حسابدار*، ۱۶(۱۴۶)، ۲۷-۳۲.
- باباجانی، ج. (۱۳۸۱). *مسئولیت پاسخگویی و کنترل‌های داخلی در بخش عمومی*. ماهنامه *حسابدار*، ۱۷(۱۴۷)، ۲۷-۳۰.
- باباجانی، ج. (۱۳۸۸). *امکان‌سنجی تحول در نظام حسابداری و گزارشگری مالی دانشگاه‌های دولتی ایران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۶(۲)، ۲۰-۳.
- باباجانی، ج. (۱۳۹۱). *نقش تفکر سیستمی در تحلیل نظام پاسخگویی و خرده نظام‌های تشکیل‌دهنده، مجموعه مقالات کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی*، ۲۸۵(۲)، ۲۳۸-۲۱۳.
- باباجانی، ج. (۱۳۹۲). *عوامل و محرک‌های تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی بخش عمومی ایران، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۱(۳۷)، ۱-۳۷.
- باباجانی، ج.، دهقان، ح. (۱۳۸۴). *نقش حسابداری و گزارشگری مالی دولتی در ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی از منظر پاسخگویان و پاسخ خواهان*. *مجله مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۳(۱۲)، ۲۶-۱.
- زارعی، ب.، غلامی، ر. (۱۳۹۰). *استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، مجله حسابرس*، ۵۵(۱۳۷-۱۵۱).
- صالحی‌زاده، ع. (۱۳۹۰). *درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو؛ روش‌های تحقیق کیفی، مجله معرفت فرهنگی/اجتماعی*، ۲(۳)، ۱۴۱-۱۱۳.

صفار، م. ج.، رحیمیان، ن. (۱۳۷۹). اهداف گزارشگری مالی دولت مرکزی. تهران: سازمان حسابرسی مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی.

بهرامپور، ش. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

فقیهی، ا. (۱۳۸۰). نظام‌های پاسخگویی در بخش دولتی: دیدگاهی تطبیقی، فصلنامه مطالعات مدیریت، ۸ (۲۹)، ۷۰-۵۳.

مهدوی، غ. م. (۱۳۷۹). نظام پاسخگویی و حسابداری دولتی در ایران، فصلنامه حسابرس، (۷)، ۴۳-۳۸.

Aghagolzadeh, F. (2006). *Critical discourse analysis: Development of discourse analysis in linguistics*. Tehran: Scientific and cultural publication. (in Persian)

Ahmed, Z., Guo, C., Kabir, H. & Narayan, A. (2016). Use of Public Accountability Index (PAI) to assess the accountability practices of New Zealand Universities. *The 8th Asia-Pacific Interdisciplinary Research in Accounting (APIRA) Conference*, 13 – 15 July 2016, RMIT, Melbourne.

Babajani, J. (2001). Accountability and internal controls in the public sector Auditing (part one). *Monthly Journal of Accountant*, 16(146): 22-27. (in Persian)

Babajani, J. (2002). Accountability and internal controls in the public sector Auditing. *Monthly Journal of Accountant*, 17(147), 27-30. (in Persian)

Babajani, J. & Dehghan, H. (2005). The role of public accounting and public finance reporting in assessing the responsibility of respondents from the perspective of accounters and accountee. *Journal of Empirical Financial Accounting Studies*, 3 (12), 1-26. (in Persian)

Babajani, J. (2009). Feasibility study on the evolution of the accounting and financial reporting system of Iran's public universities. *Quarterly Journal of Accounting and auditing reviews*, 16(2), 3-20. (in Persian)

Babajani, J. (2012). The role of system thinking in analyzing accountability and sub-systems. *Journal of the Proceedings of Theatrical Sessions at Allameh Tabatabaee University*, (285), 213-238. (in Persian)

Babajani, J. (2013). Factors and The drivers of change in the financial and operational accountability system in Public sector of Iran. *Quarterly*

- Journal of Empirical Financial Accounting Studies*, 11(37), 1-37.
(in Persian)
- Faghihi, A. (2001). Accountability systems in Public sector comparative perspective. *Management studies magazine*, (29-30), 53-70.
(in Persian)
- Fairclough, N. (2000). *Critical discourse analysis*. (F. Piran, Trans.). Tehran: Studies and media researches center. (in Persian)
- George A. B. (2003). *Public Service Performance Perspectives on Measurement and Management*, England: Cambridge University Press.
- Glynn, J. (1993). Public Sector Financial Control and Accounting. *Blackwell Published*, (2), 45-63.
- Ijiri, U. (1983). On the Accountability-Based Conceptual Framework of Accounting. *Journal of Accountintig and Public Policy*, 2(2), 75-81.
- Wu, J., Liu, J., Jin, X. & Sing, M.C.P. (2016). Government accountability within infrastructure public-private partnerships. *International Journal of Project Management*, 34(8), 1471-1478.
- Mahdavi, Gh. (2000). Accountability and government accounting in Iran. *Auditor magazine*, 7, 38-43. (in Persian)
- Nor Zaini, Z. & Kuppusamy, S. & Zaherawati, Z. (2015). Diminishing Obligations of Local Government: Effect on Accountability and Public Trust. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, (211), 255-259.
- Saffar, M.J. & Rahimian, N. (2000). *Central government financial reporting purposes*. Tehran: Audit organization Center for Specialist Accounting and Auditing. (in Persian)
- Salehizadeh, A. (2011). An Introduction to Michel Foucault's Discourse Analysis; Qualitative research methods. *Ma'rifat-i Farhangi Ejtemaii magazine*, 2(3), 113-141. (in Persian)
- Schmidt, U. & Günther, T. (2016). Diminishing Obligations of Local Government: Effect on Accountability and Public Trust, *Management Review Quarterly*, 66(4), 235-265.

Stewart, J.D. (1996). The role of Information in Public Accountability. Issues in Public sector Accounting, *Oxford: Philip Allan*, 5, 13-34.

Zareie, B. & Gholami, R. (2011). The public sector accounting international standards. *Auditor magazine*, 55, 137-151. (in Persian)

